

عنوان مقاله:

روایت شناسی «سمفونی مردگان» عباس معروفی براساس نظریه سیمپسون

محل انتشار:

مجله تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، دوره 14، شماره 54 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 23

نویسندگان:

سمانه پاسبان وطن - دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

فاطمه حیدری - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

خلاصه مقاله:

این پژوهش به شیوه تحلیلی- توصیفی می‌کوشد تا دیدگاه روایتگری را در رمان عباس معروفی با عنوان «سمفونی مردگان» بررسی کند. این مطالعه براساس الگوی پیشنهادی سیمپسون ۱۹۹۳م. صورت می‌گیرد که در آن روایت و دیدگاه روایی به شکلی نظام یافته و روشمند بررسی می‌شوند. ابتدا تلاش بر آن است که دریابیم راوی در این داستان براساس الگوی سیمپسون، از چه نوعی است و سپس بررسی کنیم که آیا وجهیت داستان مثبت، منفی و یا خنثی است. فرض ما براین است که راوی سوم شخص و وجهیت داستان در متن براساس تقسیم بندی های سیمپسون، مثبت است. در این تحقیق داده ها بر اساس گفته ها و ابزارهای تحلیلی بیان شده در نظریه مذکور، مورد بررسی قرار گرفته است. با مطالعه این پژوهش درمی‌یابیم که راوی میان اول شخص و سوم شخص در تغییر است که هرکدام در پیشبرد روایت تاثیر داشته است. وجهیت غالب در متن داستان براساس تقسیم بندی های سیمپسون، مثبت است که نشان از تعهد و اعتماد به نفس راوی درباره ماجراهای داستان و دیدگاه قاطع او در مورد جهل و تعصب در تقابل با روشنفکری و آگاهی است. نظام وجهی به کاررفته در رمان امری و التزامی است که با استفاده از فعل های وجهی-واژگانی، کلمات احساسی مانند صفات و قیود ارزیابی کننده، افعال گزارشی که بیانگر افکار و کنش هاست و جملات تعمیم دهنده، آن را نشان داده است. البته در برخی قسمت های داستان وجهیت منفی است که حاکی از تردید و دودلی شخصیت های داستان است.

کلمات کلیدی:

عباس معروفی، سیمپسون، سمفونی مردگان، روایت شناسی، وجهیت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1586168>

